

به مناسبت فعالیت های جدید
در جهت سازماندهی جبهه ملی

جوانان هنوز به

همه چیز نرسیده

«جبهه ملی هیچوقت نظری
جز اعتلاء و عظمت ایران نداشته
همیشه خواهان این بوده است که
هموطنان عزیز همه در سرنوشت
خود دخیل شوند و این ارزویه
نتیجه نمیرسد جز اینکه افرادی
شایسته و جوانان هنوز به همه
چیز نرسیده در مقدرات مملکت
شرکت کنند».

از پیام مورخ سوم دیماه
۱۳۴۱ دکتر مصدق به کنگره
جبهه ملی ایران

پرخاش

هفته نامه

تاسیس ۱۳۲۵

شماره پنجم - دوره پیروزی - تک شماره ۱۵ ریال

برای خارج از کشور ۲۵ پانس

چهارشنبه پنجم فروردین ۱۳۵۸

برابر با بیست و هفتم جمادی الاول ۱۳۹۹ مطابق با ۲۵ آوریل ۱۹۷۹

در تصادف با هشتم اردیبهشت

روز زمامداری دکتر مصدق

آقای مهندس بازرگان کابینه
نامتجانس خود را ترمیم کنید

از جلسه تاریخی نهم آبان ۱۳۰۴ مجلس شورایی

برای اطلاع خوانندگان جوان

نطق دکتر مصدق در مخالفت با سلطنت رضاخان پهلوی

دکتر محمد خان مصدق - بنده
در سال گذشته در حضور
نمایندگان محترم بکلام اله مجید
قسم یاد کردم که بمملکت و ملت
خیانت نکنم. آن ساعتی که قسم
خوردم مسلمان بودم و حالا مسلمان
بقیه در صفحه ۴

اگوستی
صفحه ۸

هشتم اردیبهشت روز زمامداری پیشوای برگزیده ملت روزیکه
برای اولین بار حکومت ملت در ایران استقرار یافت را بهمه مردم
ایران زمین تریک میگوئیم



بناسبت هشتم اردیبهشت روز زمامداری دکتر محمد مصدق پیشوای ملت
پرخاش جوانان بر مردم شرافتمند ایران ترمیم میکند

دولت تردید کنیم و علت نارسائیا
را در ترکیب ناموزون دولت وعدم
بقیه در صفحه ۶

آقای مهندس بازرگان که بحق
از پیروان مکتب مصدق واز
سنگرداران سرسخت آزادی
واستقلال کشور بوده اند در
کار زمامداری با گرفتاریهای فوق
الطافه روبرو هستند و با کمال
تأسف نشانه ای از تسلط ایشان
برحل این مشکلات بچشم نمیخورد
در کاربرسی عدم تسلط دولت یا
باید در صلاحیت وتوانائی رئیس

حسن قوامی زاده
چپ و راست
بقیه در صفحه ۷

سیاست جهان از هفته نامه تیوزویک

طغیان مسلمانان افغانستان

وزنش صفحه ۵

در شهر جلال آباد کاروان های شتر
هنوز مانند قرون گذشته در کوچه
وخیابان های غبار آلود آن در حرکت
بقیه در صفحه ۳

زندگینامه پیشوا

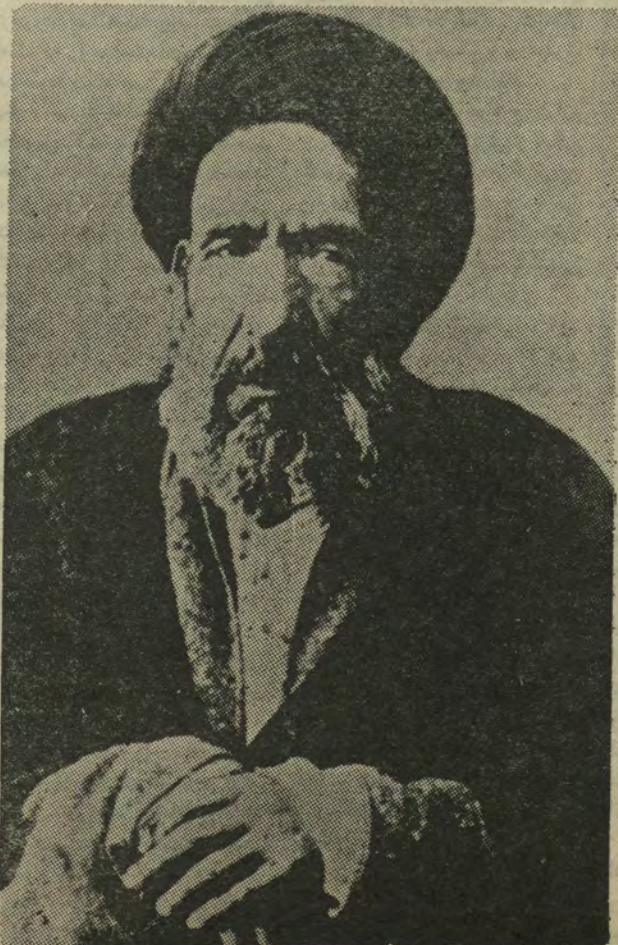
تولد ۲۹ اردیبهشت ۱۲۶۱ هجری شمسی در تهران

پدرش میرزا هدایت اشتیانی وزیر دفتر استیفاء در دوران ناصری و از
رجال تجدد طلب و پیروان میرزاتقی خان امیر کبیر و مادرش ملک خانم
بقیه در صفحه

سردار سپه و مدرس

سردار سپه در مبارزه با مدرس
و مخصوصا بعضی از قسمتهای
مهم سیاسی مانند ازدحام عمومی
مردم در روز دوم حمل و چند قضیه
دیگر کاملا با اهمیت و نفوذ روحانی
و سیاسی و خلاصه پهلوانی مدرس
بقیه در صفحه ۷

نامه
پیام
در صفحه ۵



همه ساله روزنامه پرخاش حتی در دوران احتیاق بمناسبت این
روز تاریخی یادبودی منتشر کرده گراور بالا تابلوی اهدائی
پرخاش را که بمناسبت مراجعت از شورای امنیت سازمان ملل
متحد تقدیم شده بود نشان میدهد

حساب مصدق از حساب همه جداست

چوبشوی سخن اهل دل مگو که خطاست

سخن شناس نئی دلبرا خطا اینجاست

اخیرا دیده و شنیده میشود که در گوشه و کنار بعضی از همکاریها و یا شیوه های
سیاسی را که از طرف بعضی از مبارزان گذشته و یا سران جبهه ملی بکار گرفته
شده است مورد انتقاد قرار میدهند و از آن برناکامی راه مصدق برهان میسازند. لازم
به تذکر است که عدم توجه به بعضی از ظرائف سیاسی از طرف یک یا دوتن
از پیروان مصدق کبیر دراصالت مبارزه این مرد بزرگ و بیرون صدیقش
کوچکترین تاثیری را نخواهد داشت و ماصمیمانه تقاضا میکنیم اعمال هرکس را
بنام خودش ثبت کنند چه اگر امروز هم پیشوا زنده بود شاید چون دوران اسارتش
برخیلی از اعمال ماصحه نمی گذاشت.

درخانه اگر کس است بک عرف بس است

دکتر علی اقبالی
استاد دانشگاه و موسس مدرسه عالی

بحث آزاد

اعطاء عفو عمومی

حضرت ایت الله مکارم
شیرازی در روزنامه اطلاعات
مورخه ۲۶ فروردین مقاله پسها
ارزنده و تکان دهنده مانند سایر
مقالات ایشان درباره اعطاء عضو
بقیه در صفحه ۷

بمناسبت چهارم اردیبهشت روز تاجگذاری رضاخان



کفن بیاوروتابوت و جامه نیلی کن
که روزگار طیب است و عاقبت بیمار

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

نگاهی دیگر به نظام بانکی ایران

تجزیه و تحلیل وضع پولی

طی مدت کمی میلیاردها ریال سرمایه های مملکت بخارج برود در حالیکه در حدود مقررات جاری و در صورت انجام وظیفه صحیح بانک مرکزی چنین چیزی امکان نداشت.

مجموع نکات بالا باعث شد که تجاری که کم کم داشتند وارد گرد صنعتی مونتاژی میشدند بعلمت داشتن منابع کافی مالی در سالهای بعد از دهه سی بفکر تشکیل بانک بیفتند که با اندک سرمایه ای بتوانند یک مرکز مالی بزرگ را تحت کنترل خویش قرار دهند البته شرایط و مقتضیات اقتصادی آن روز هم گسترش سیستم بانکی را طلب مینمود زیرا یکی از سیاستهای دولت برای امروری و مدرن کردن ایران به زعم خویش گسترش اقتصاد و دادوستد بر اساس واحد ارزشی که پول نامیده میشود بود و چنانکه میدانیم در آنروز در قسمت عظیمی از ایران هنوز داد و ستد بر اساس قواعد و مقررات باستانی و به شکل پایا پای انجام میشد به علاوه بر اساس مدل اقتصادی در پیش گرفته شده میباشد سرمایه ها و پس اندازهای کوچک متمرکز میشد و همگی میدانیم که در اقتصاد ما در آن موقع و قبل از آن بهترین محل برای نگهداری پس انداز خانواده ها در لایه بالاش ها و تنگ ها و یا زیرزمین و داخل دیگها و صندوقچه های مسی بود.

قابل توجه اینست که سیاست دولت گسترش بخش خصوصی و ازبیدار کردن تجارت و تولید بود در نتیجه این سیستم گسترش شبکه بانکی را لازم داشت و اگر بانکی خصوصی نبود هیچگاه روحیه مالکیت مورد لزوم بخش خصوصی بطور صد درصد بوجود نمیامد. در نتیجه برخلاف ژاپن که بانکی هستند که صنایع را اداره مینمایند در ایران و در بخش خصوصی بانکداری به دست هرتاجر و بازرگانی که بجز سود بیشتر به چیز دیگر نمایندیشید افتاد و باعث شد صنایع مسخره و ابکی ایشان روز بروز رونق بیشتری بگیرد تا آنجا که اداره این سازمانها از حد توانایی فکری و فرهنگی ایشان بالاتر رود و در نتیجه چون سود را در یک قدمی میدیدند در کنار تولید مونتاژی بازم تجارت اصلی را گسترش دادند لازم بیاد آورست که در چنین شرایطی دولت نیز از طریق دادن وامهای کم بهره و دراز مدت به اشخاص که مبنی تعیین صلاحیتشان همان بود که در بالا گفته شد این مسئله را تشدید کرد و تاجران کم ظرفیت را به مونتاژ گرانی تبدیل ساخت که حتی قدرت مدیریت خط مونتاژ خویش را نیز نداشتند ولی تورم به کمکشان آمد و تمام ضعف مدیریت آنها را جبران نمود البته اینوضع یعنی کنترل بانکی به دست تجار و صاحبان صنایع مونتاژ فقط به یک دلیل پایدار ماند و آنهم شدت رشد حجم پول در طی این سالها بود که توانست مصنوعا و به اندازه کافی نقدینگی در اختیار بانکی بگذارد و گرنه سالها بود که فاتحه این بانکی خوانده بود و یا اصلا این بانکی به وجود نمیامدند. قابل توجه اینجاست که دو بانک خصوصی اولیه این مملکت نیز که صاحبان آنها تاجر یا مونتاژگر نبودند یکی شان در دام یک گانگستر افتاد و دیگری در باند بازیهای صاحبان قدرت در این مدت گرفتار شد که معلوم نیست چه عاقبتی در انتظارشان خواهد بود.

چنین اوضاعی باعث شد که امپراطوریهای عظیم تولید و مونتاژی، تجارت و بانکداری بوجود آید که بعد از انقلاب سفید و از بین رفتن درآمد های

هنگامی که انقلاب اسلامی ایران کلیه زیربنایهای فرهنگی اجتماعی و سیاسی کشور را دگرگون کرده و خواهد کرد نظام اقتصادی، پولی و بانکی کشور باید سازنده و ملی اجتماع فردا باشد. در این بررسی وضعیت گذشته، حال و آینده این نظام در ارتباط با وظایف سیستم بانکی و رسالت آن در انجام رسانیدن اهداف ملی از دیدگاه فنی مورد بررسی قرار گرفته است.

در حال حاضر سیستم پولی ایران شامل بانکهای تجارستی دولتی و خصوصی (ایرانی، مختلط)، بانکهای سرمایه گزاری (تخصصی)، شرکتی پس انداز و وام مسکن، بورس اوراق بهادار و شرکتی خدمات مالی میباشد بطور کلی بانکی و شرکتی پس انداز و وام مسکن تحت قوانین تجارت، قوانین کشوری و مقررات بین المللی مبادلات و واردات و تحت نظارت و کنترل شورای عالی پول و اعتبار و بانک مرکزی ایران بفعالیت اشتغال دارند. عملیات انواع موسسات شامل جمع آوری انواع سپرده ها و پس اندازهای مشتریان، اعطای وام و اعتبار به وام گیرندگان و همچنین فعالیت های مختلف دیگری در زمینه انتقال پول و ارز، واردات، صادرات و فعالیت در بازارهای پولی داخلی و بین المللی و سرمایه گزاری میگردد.

انجام عملیات فوق که مانند هر کار دیگری به آرامش و استمرار نیاز دارد طبیعتا تحت تاثیر تحولات مردم ایران در جهت نهضت آزادیخواهی ملی قرار گرفته است در نتیجه آرامش مورد لزوم از بین رفته و استمرار عملیات را تحت تاثیر قرار داده است در نتیجه سیستم بانکی در شرایط کنونی با کندی حرکت روبرو شده است این کندی حرکت به دو دسته قابل تقسیم است.

۱- آنچه باعث شد که ملت آرامش استمرار عملیات را در کل سیستم مملکت فدا کند

۲- تاکیکیهایی که گروه های مختلف در پیروسی فدا کردن آرامش و استمرار در پیش گرفتند.

۳- ضعف بانکی مرکزی ایران به شهادت قانون پولی و بانکی کشور و اساسنامه بانک مرکزی این سازمان مسئول کلیه هرج و مرجی میباشد که در اقتصاد مملکت وجود دارد زیرا دولتها به خاطر سیاستهای خویش بی محابا بانک مرکزی را به زیر یوغ خویش کشیدند و نوکران جیره خوارشان بزرگترین مرجع کنترل اقتصادی را تبدیل به صندوقچه ای برای پرداختهای بی مورد به منظور سرمایه گذاری های غلط و تامین نقد ینگی برای گشاد بازیهای سیستم نمودند. و از جمله با وجود اینکه مقررات ارزی غیربازرگانی بانکی را متعدد مینمود که فقط بمیزان ارز غیر بازرگانی خریداری از مشتریان (که حدود آنرا در سال ۵۰۰ میلیون دلار پیش بینی میکردند) بقیمت بازار از مملکت خارج کنند با فشار بر بانکها جهت مساوی نگاهداشتن قیمت ارز غیر بازرگانی و بازرگانی تعیین بانکهای عامل و در اختیار قراردادن بدون کنترل ارز غیر بازرگانی بقیمت ثابت حتی در آخرین دقائق پیروزی انقلاب امکانات خروج سرمایه های خانتین را فراهم نموده و باعث شدند

فریبافرد باقی ماند.

۴- شکوفاشدن اقتصاد از نوع انقلاب سفید نیز عامل دیگری بود که تقاضا برای وامها و اعتبارات را بنحوی شدیدی بالا برد روزی یک مدیر عامل بانک به من گفت که ما میزان محدودی حق اعطای اعتبار داریم همه هم میخواهند که وام و اعتبار بگیرند و یکساله صدتومانشان را پانصد تومان بکنند نرخ بهره و کارمزد را نیز قانون ثابت کرده بنابراین چرا به خود زحمت بدهم و غریبه ها را شناسائی کنم و بعد با هزار خطر وام بدهم اعتبارات را میدهم به کسانی که میشناسمشان».

این جمله گویای روحیه ای میباشد که آن دسته از مشکلاتی را که صحبتش شد در داخل سیستم بانکی بوجود آورد و باعث شد اقتصاد به بیراهه برود زیرا بر اساس این تعبیر و طرز فکر بود که اعتبارات به دست بساز و بفروش و وارد کننده پتیر هلندی و اداس امریکایی که حقیقت اکثرشان پسر دانی و خاله و عمه و یا به عبارت دیگر هیات حاکمه بود افتاد.

۵- ضعف بانکی مرکزی ایران به شهادت قانون پولی و بانکی کشور و اساسنامه بانک مرکزی این سازمان مسئول کلیه هرج و مرجی میباشد که در اقتصاد مملکت وجود دارد زیرا دولتها به خاطر سیاستهای خویش بی محابا بانک مرکزی را به زیر یوغ خویش کشیدند و نوکران جیره خوارشان بزرگترین مرجع کنترل اقتصادی را تبدیل به صندوقچه ای برای پرداختهای بی مورد به منظور سرمایه گذاری های غلط و تامین نقد ینگی برای گشاد بازیهای سیستم نمودند. و از جمله با وجود اینکه مقررات ارزی غیربازرگانی بانکی را متعدد مینمود که فقط بمیزان ارز غیر بازرگانی خریداری از مشتریان (که حدود آنرا در سال ۵۰۰ میلیون دلار پیش بینی میکردند) بقیمت بازار از مملکت خارج کنند با فشار بر بانکها جهت مساوی نگاهداشتن قیمت ارز غیر بازرگانی و بازرگانی تعیین بانکهای عامل و در اختیار قراردادن بدون کنترل ارز غیر بازرگانی بقیمت ثابت حتی در آخرین دقائق پیروزی انقلاب امکانات خروج سرمایه های خانتین را فراهم نموده و باعث شدند فریبافرد باقی ماند.

تاریخ - این داور بی باک و بی نظیر نیرنگها و خدعه های استعمار را نسبت به مردم فلسطین بازگو میکند

از اول قرون یکم تا قرن بیستم میلادی همیشه یهودیان در فلسطین با فقر و استیصال زندگی میکردند. و با اینکه آنها جزو عناصر اصلی ساکنین فلسطین بودند - معزدا پس از جنگهای ۷۰- و ۱۰۳۵ م تعداد آنان رو بنقصان گذاشت. چنانکه (بنیامین) تودیلی، یکی از حاجبان یهود که در سال (۱۱۷۰- ۱۱۷۱ م، بزیارت ارض اقدس رفته میگوید (در فلسطین فقط ۱۴۴۰ نفر یهودی) دیده است. همانطوریکه (یحسان جیروندی) هم در سال ۱۲۶۷- م در بیت المقدس تنها دو خانواده یهودی دیده است.

لکن بعدا تا اوایل قرن ۱۹ بتدریج بتعداد یهودیان فلسطین افزوده گشت. بطوریکه تعداد آنان در اول قرن ۱۹ (۸۰۰۰ نفر) و در سال ۱۸۴۵ به بیش از (۲۰ هزار نفر) و در سال ۱۹۱۸ به ۵۶ هزار نفر رسید. در سال ۱۹۱۸ یهودیان فرمان بلفور در سال ۱۹۱۷ یهودیان کمتر از ده درصد مجموع ساکنین فلسطین را تشکیل میدادند. منتها پس از پایان جنگ اول جهانی بدنباله صدور فرمان بلفور موج مهاجرت یهودیان بفلسطین فزونی گرفت - و طبق سرشماری همگانی دولت فلسطین در سال ۱۹۲۲ - تعداد یهودیان - ۸۳۷۹۴ نفر از مجموع تعداد فلسطینیها (۷۵۷/۱۸۲ نفر) بود.

با اینکه اعراب در امپراطوری عثمانی از همه حقوق سیاسی - اجتماعی کاملی برخوردار بودند - ولی تصمیم گرفتند دولت مستقل و مجزا از امپراطور عثمانی تشکیل دهند - و برای رسیدن باین هدف در اواخر قرن ۱۹ فعالیتهای پنهانی خود را بمنظور کسب استقلال آغاز کردند و در اثنای جنگ جهانی اول این فعالیت تشدید شد - زیرا دولتهای متفق آنها را برای رسیدن به پیروزی و تشکیل دولت تشویق میکردند - بخصوص بریتانیا و هم پیمانان او وعده های فریبنده زیادی به آنان دادند - و قتیکه جنگ تمام شد بریتانیا ضمن اینکه تعهد کرد استقلال اعراب را عملی سازد و وعده های دیگری هم بشرح زیر به آنان داد.

۱- نامه هائیکه در سالهای (۱۹۱۵-۱۹۱۶) میان ملک حسین پیشکش تقدیم میشد. جالب توجه اینجاست که بعد از مدتی همان پیشکش دهنندگان پراثر جفت شدن منافع خویش با آریستوکراسی که دیگر بصورت هیات حاکمه درآمد بود خود نیز در آنها مستحیل شد و در داخل هیات حاکمه قرار گرفت و داشتن روابط با آریستوکراسی های بقیه نقاط دنیا به شغل شریف دلالی وارد شوند و قسمتی از امپراطوریهای فوق را ببلند که نشانه آن همانا سهام شرکتها و بانکیها و موسسات دیگر بود که به رسم

پادشاه حجاز که روزی شریف مکه بود و هنری کلمهون (نماینده بریتانیا در مصر) مبادله شد - در آن نامه ها حکومت بریتانیا با اعراب وعده داده بود که پس از جدا کردن قسمتهای تابعه سوریه که در غرب کشورهای (مشق - حصص - حما - حلب) واقع بود آماده است استقلال عرب را برسمیت بشناسد.

۲- کتاب (هورجات) که حکومت بریتانیا آن را در سال (۱۹۱۸) برای شریف مکه فرستاد تا ترس و نگرانی اعراب را از اغلامیه بلفور از بین ببرد.

۳- تصریح نامه هفتگانه - که در ۱۶ ژوئیه ۱۹۱۸ صادر شد. چون در آن تاکید شده بود (سروشست ساکنین کشورهائیکه قوای متفقین در جنگ آنها را اشغال کرده اند - در آینده با توجه برضایت و تمایل خود آنان تعیین خواهد شد.

۴- اعلامیه که دولت انگلیس و فرانسه در نوامبر سال ۱۹۱۸ آن را صادر کردند - چون در آن قید شده بود که (هدف نهائی دولت فرانسه و انگلیس از تحمل مشقات و خسارات جنگ - تامین آزادی کامل ملتھائی است که مدت زیادی در اسارت ترکها بوده اند - و تشکیل حکومت های میهنی و ملی برای آنان میباشد) که آن حکومتها از آزادی حقوقی هر ملت سرچشمه میگردد. هزارها برگ از این اعلامیه چاپ و با هواپیما از آسمان بخاک فلسطین ریخته شد. این وعده های فریبنده و خدعه آمیز سبب شد اعراب اقدامات خود را برای جدا شدن از امپراطور عثمانی تشدید کنند و بعد هم بدام فریب استعمار بیفتند. ملک حسین کشور حجاز را ضمیمه متفقین کرد - اعراب سوریه فلسطین - عراق - لبنان هم بدرخواستهای متفقین پاسخ مثبت دادند. همین وعده ها نشان میدهد که اعراب را تا مرحله خیانت فریب دادند تنها نه از این لحاظ که متفقین، وعده های خود را محترم نشمارند بلکه بریتانیا پس از دادن آنهمه وعده های فریبنده به اعراب - به یهودیان هم وعده داد که در فلسطین برای آنان میهن درست کند

ترجمه - کاظمی خلخالی - از کتاب (فلسطین در پرتو حق و عدالت)

۵- ضعف بانکی مرکزی ایران به شهادت قانون پولی و بانکی کشور و اساسنامه بانک مرکزی این سازمان مسئول کلیه هرج و مرجی میباشد که در اقتصاد مملکت وجود دارد زیرا دولتها به خاطر سیاستهای خویش بی محابا بانک مرکزی را به زیر یوغ خویش کشیدند و نوکران جیره خوارشان بزرگترین مرجع کنترل اقتصادی را تبدیل به صندوقچه ای برای پرداختهای بی مورد به منظور سرمایه گذاری های غلط و تامین نقد ینگی برای گشاد بازیهای سیستم نمودند. و از جمله با وجود اینکه مقررات ارزی غیربازرگانی بانکی را متعدد مینمود که فقط بمیزان ارز غیر بازرگانی خریداری از مشتریان (که حدود آنرا در سال ۵۰۰ میلیون دلار پیش بینی میکردند) بقیمت بازار از مملکت خارج کنند با فشار بر بانکها جهت مساوی نگاهداشتن قیمت ارز غیر بازرگانی و بازرگانی تعیین بانکهای عامل و در اختیار قراردادن بدون کنترل ارز غیر بازرگانی بقیمت ثابت حتی در آخرین دقائق پیروزی انقلاب امکانات خروج سرمایه های خانتین را فراهم نموده و باعث شدند

وطن پرستان واقعی

ما را در مبارزه با

مطبوعات شاهنشاهی

تایید میکنند

وطن پرستان واقعی ما را در مبارزه با مطبوعات شاهنشاهی تایید میکنند در فرمان مبارزه با اوراق شاهنشاهی همه روزه نامه های از سراسر کشور داریم که متأسفانه مرفق طبع همه آنها نمیشویم با اظهار تشکر خلاصه یکی از آنها را بنظر خوانندگان عزیز میرسانیم زمانی بود که «پرخاش» را میخواندم هنوز کودتای ننگین ۲۸ مرداد را بوجود نیاورده بودند و اینک زمانی انرا میخوانم که اراده ملت برهبری مجاهدی کبیر و سازش ناپذیر تحقق یافته است.

در خلال ۲۵ سال اختناق افکار و فرهنگ و مذهب این مملکت، برکسی پوشیده نیست که بزرگترین صدمه ها را پاره ای از نشریات مزدور بر پیکر این مملکت وارد کردند.

این نشریات و در صدر آنها روزنامه های اطلاعات و کیهان و مجلات جوانان و همچنین زن روز بزرگترین خیانتها را مرتکب شده اند و دوباره خوانی سرمقالات و یادداشتها روز عموما اسناد زنده ای برای خیانت است و پیش آمد هر باصطلاح روز ملی ان همه تبریكات و تهنیت ها و شادباشها را همه خوانده اند.

محمدرضا پهلوی و داروستانه اش خیانت میکردند و مملکت را بتاراج میبردند و این نشریات مزدور عمل آنها را تایید و در روزی نامه های خود به مردم تزیق و این ملت را شستشوی فکری میدادند.

جوانان مجاهد و مبارز و فدائی را بر منقلهای الکتریکی می نشاندند و روزنامه ها به مردم تلقین میکردند که آنها خرابکار هستند.

حکم انقلاب این است که بساط خیمه شب بازیهای این جراید مزدور برچیده شود و اینان باید بدانند که اعتصابشان نیز عملی در انحراف فکری عوام محسوب میگردد زیرا اگر اعتصاب نمیکردند مجبور بودند بسود رژیم نویسند که طبعاً توقیف میشدند و اگر بسود رژیم قلمفرسایی میکردند خشم ملت آنان را به آتش و خاک و خون میکشید و این اعتصاب نیز صحه ای بر تمام فجایع این جراید مزدور و ضدملی در تاریخ ثبت است.

ارادت مند - غلامرضا ملایبگی - قصر شیرین

پیشکش تقدیم میشد. جالب توجه اینجاست که بعد از مدتی همان پیشکش دهنندگان پراثر جفت شدن منافع خویش با آریستوکراسی که دیگر بصورت هیات حاکمه درآمد بود خود نیز در آنها مستحیل شد و در داخل هیات حاکمه قرار گرفت و داشتن روابط با آریستوکراسی های بقیه نقاط دنیا به شغل شریف دلالی وارد شوند و قسمتی از امپراطوریهای فوق را ببلند که نشانه آن همانا سهام شرکتها و بانکیها و موسسات دیگر بود که به رسم



نور

ناصر و باطن!

زندگینامه پیشوا

بقیه از صفحه اول

نجم السلطنه بنیان گذار بیمارستان نجمیه و از نواده عباس میرزا ولیعهد بهادر قاجار بود. پس از گذراندن تحصیلات معمول در آن زمان، استیفاي خراسان به وی محول گردید. و بزودی در زمره کارداران ترین مستوفیان قرار گرفت و صحت عمل و درستکاری وی زبانزد خاص و عام شد و دیری نپائید که بعلت علاقه به علوم جدید و برخوردش با افکاری که زمینه های انقلاب مشروطیت را پی ریزی کردند باعث شد که شغل آباء و اجدادی خود را کنار بگذارد و به فراگرفتن علم سیاست در مدرسه سیاسی که تازه داتر شده بود نزد استادی چون شیخ محمدعلی کاشانی و میرزا عبدالرزاق خان بغایری و میرزاغلامحسین خان رهنما و میرزا جوادخان قریب و دیگر استادید بپردازد. پس از چند سال رهسپار اروپا شده در مدرسه علوم سیاسی پاریس به تحصیل مشغول گردید، و سپس در نوشتات یکی از شهرهای سوئیس به تحصیل علم حقوق پرداخت و قبل از جنگ بین الملل اول در علم حقوق دکتری گرفت و پس از طی دوران کارآموزی موفق به اخذ تصدیقنامه و کالت دادگستری از کانون وکلای نوشاتل شد. و عازم ایران گردید. و بدعوت دکتر ولی الله خان نصر رئیس مدرسه علوم سیاسی با سمت استادی در آن مدرسه به تدریس پرداخت و در همین دوران کتاب دستور در محاکم حقوقی را به منظور کمک به توسعه و تحول قوه قضائیه نوپیدا ایران که به همت روشنفکران مشروطه خواه بنیان گذاری شده بود برای تدریس در آن مدرسه نوشت. در ۱۲۹۳ رساله ای بنام کاپیتولاسیون و ایران نوشت و منتشر کرد و خواهان الفای این رژیم استعماری گردید. پس از انتشار چند رساله دیگر با همگامی عده ای دیگر مجله ای بنام «مجله علمی» منتشر نمود که پیش از ۱۵ شماره آن منتشر نشد.

در سال ۱۲۹۶ معاون وزارت مالیه و پس از استعفا لژین سمت که بعلت غلبه طرفداران سیاست انگلیس در ایران بود به اروپا رفت و در کابینه بعدی یعنی کابینه مشیرالدوله بوزارت دادگستری منصوب شد اما در بازگشت بایران بدرخواست مردم ایالت فارس والی آن ایالت گردید. و تا کودتای ۱۲۹۹ درین سمت باقی ماند - و در کابینه سید ضیاءالدین طباطبائی مبارزات سخت و پیگیری را علیه غلبه انگلیس بر افکار و اعمال و اعمال ملت ایران نمود. و بالاخره در اسفند ۱۲۹۹ استعفاي خود را تسلیم احمد شاه نمود و بایلی بختیاری پنهان شده پس از سقوط کابینه سیدضیاء در کابینه بعدی یعنی به وزیر دارائی منصوب شد. پس از آن در کابینه مشیرالدوله والی آذربایجان شد که اوضاع ناسامان آن دیار را سامان بخشید. و الحق موفق شد اما سردار سپه که وزیر جنگ موقت بود به فرمانده قشون دستور نافرمانی از مصدق را داد. و در نتیجه مصدق استعفا نموده و عازم تهران شد. در خرداد ۱۳۰۲ در کابینه مشیرالدوله بوزارت خارجه منصوب گردید و درین سمت در مقابل ادعاهای و فشارهای مدام امپریالیسم انگلیس سرسختانه ایستاده و مانع دست یابی انگلستان به برخی از جزایر خلیج فارس مانند ابوموسی و شیخ شعیب گردید.

در کابینه رضاخان با کمال شهامت در برابر رژیم دیکتاتوری که انگلیس برای ایران تدارک دیده بود مردانه قدم برداشت و با مخالفت جانانه ای در برابر مزدورانی چون تدین، داور و تیمورتاش و عواملی که توطئه دیکتاتوری را ریخته بودند قیام کرد که نقطه تاریخی این رادمرد بزرگ دلیل قدرت و استقامت بی چون و چرای اوست و در همین زمان است که جمله معروف خود را بیان میکند «ملت ایران یک عمر به سرپر و خدمتگزارش حقوق میدهد تا در یک روز از سنگر وطنش دفاع کند چگونه می توانم در خانه بنشینم و شاهد توطئه رضاخان بر علیه مملکت باشم» پس از آن با استقرار دیکتاتوری مغضوب رضاخان شد و بزیدان و سپس به تبعید احمدآباد رفت تا در شهریور ۱۳۲۰ با وزش نسیم آزادی قهرمان دیواره به سنگر بازگشت و در پیشاپیش اصلاح طلبان نهضت مبارزه با دیکتاتوری و بیگانه پرستی را ادامه داد تا منتهی به سقوط امپراطوری نفت در خوزستان و ایجاد اولین حکومت ملی در دوران مشروطیت شد. پس از سقوط دیکتاتوری در شهریور ۱۳۲۰ مصدق هنوز اکثریت اوقات خود را در احمدآباد میگذراند تا آنکه مردم تهران در دوره چهارم او را بعنوان نماینده اول خود از شانزدهم اسفند ۱۳۲۲ به مجلس فرستادند و در نخستین روزهای همین مجلس بار دیگر پرچم مبارزه را برافراشت و با اعتبار نامه سیدضیاءالدین عامل سیاسی کودتای ۱۲۹۹ که پس از اشغال ایران انگلیس او را مجدداً بایران باز گردانده و بدست سهیلی نخست وزیر وقت در انتخابات یزد به مجلس آورده بودند مخالفت کرد و اسرار کودتا و نقش انگلستان را در این ماجرا از تریبون مجلس بیان داشت. دکتر مصدق مصمم و با برنامه وارد مجلس شد و سه اصل را که عبارت بودند از:

- تجدید نظر و اصلاح قانون انتخابات
- سیاست موازنه منفی
- مبارزه با زدی و اختلاس

سرلوحه این برنامه قرار داد و هیچگاه از برنامه خود عدول نکرد و در سر حد امکان بر پیشرفت بسوی مقاصد خویش برای حفظ حقوق و منافع مردم فداکاری کرد. بابتکار و پیشنهاد وی قانون منع امتیاز نفت بخارجیان به تصویب مجلس رسید.

با پایان کار مجلس چهاردهم دولت قوام بر سر کار آمد و انتخابات کشور را با تشکیل حزب دموکرات باختر گرفت و از رفتن مصدق بمجلس جلوگیری کرد.

زیرا قوام بر خلاف قانون امتیاز نفت شمال را پروسها واگذار کرده بود ولی در انتخابات دوره پانزدهم باز هم مصدق و یارانش بسنگر پارلمان راه یافتند. در این مجلس طرحی برای الفاه مصوبات مجلس مؤسسان دوم که نمایندگان آن در نتیجه انتخابات غیر آزاد تعیین شده بودند و مصوباتش خلاف قانون اساسی بود پیشنهاد کرد که البته از طرف اکثریت مورد قبول واقع نشد سپس بعضویت و بعداً ریاست کمیسیون نفت انتخاب شد در همین دوره با همراهی وکلای جبهه ملی فراقسیون وطن را تشکیل داد و بالاخره در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ قانونی را که در کمیسیون تهیه و تأیید شده بود به تصویب مجلس شوراملی رسانید این قانون در ۲۹ اسفند به تصویب سنا رسید و جنبه قانونی یافت. (ملی شدن نفت) پس از ترور رزم آرا و سقوط کابینه کوتاه مدت علاء دکتر مصدق که نهضت را در خطر میدید بلافاصله رأی تمایل مجلس به نخست وزیری خود را تنها بشرط تصویب قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت پذیرفت قانون مذکور هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ در شورا و دهم اردیبهشت در سنا تصویب شد دکتر مصدق که روز هشتم

دکتر مصدق دشمن

صهیونیسم

یاد یاران



دردشماره گذشته پرخاش دو مطلب بسیار جالب از نویسنده بزرگ و درعین حال ناشناخته حسن قوامی راه نقل از شماره های پرخاش در سال ۱۳۲۵ با عنوانهای «خون» و «بقولم» خوانداید که درباره شخصیت نویسنده آن بکوتاهی دگری از این نویسنده را از سردمدار نویسنده گرافدوما حسن قوامی راه اسان شرف و فضیلتی بود که عمری بخدمت ایران و بهضت مردم ایران عشق ورزید و با عنوان معلم و نویسنده بجامعه ما خدمت کرد و درعنوان جوانی آنگاه که نفسها درعینه حبس و قلمها شکسته بود از میان ما رفت یادش را گرامی میداریم و کوشش میکنیم با طبع مجدد آثارش خاطره مبارزاتش را جارودانه نگاهداریم قوامی زاده مظفر تقوی - فضیلت - شرف مردمی و انسانیت بود روانش شاد باد

اردیبهشت نخست وزیری را پذیرفته بود روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ کابینه خود را به مجلس معرفی و برنامه اصلی خود را بیان کرد.

- ۱- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بر طبق قانون طرز اجرای اصل ملی شدن نفت و تخصیص عواید حاصله از آن به تقویت اقتصادی کشور و موجبات رفاه و آسایش عمومی.
- ۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورا و شهرداریها.

در خرداد ماه ۱۳۳۰ دکتر مصدق هیئت مدیره موقت شرکت نفت را تعیین و آنان را مأمور خلع ید از شرکت استعماری نفت جنوب کرد و روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ خلع ید از شرکت نفت انگلیس بعمل آمد.

پس از تشکیل مجلس دوره هفدهم که با دخالت ارتش انتخابات واقعی مخدوش شده بود دکتر مصدق از نخست وزیری استعفا کرد در اواخر تیر ۱۳۳۱ به شاه نوشت. درین موقعیت حساس و خطیر ایجاب میکند که وزارت جنگ را شخصاً عهده دار شوم و چون این کار مورد تصویب واقع نشده پس بهتر است دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند، با وضع فعلی ممکن نیست مبارزاتی را که ملت ایران شروع کرده است پیروزمندانه خاتمه داد.

قوام السلطنه مأمور تشکیل کابینه شد و اعلامیه معروف خود را منتشر کرد وای بحال کسانیکه در اقدامات مصلحانه من اخلال کنند یا نظم عمومی را برهم زنند. چنین کسانی را بحکم خشک و بی شفقت قانون قرین تیره روزی میسازم. کشتیان را سیاستی دگر آمد.

البته مردم نهراسیدند و قیام مقدس سی ام تیر را بوجود آوردند قوام مجبور باستعفا و مصدق روز ۳۱ تیر ماه ۱۳۳۱ بازگشت و وزارت دفاع ملی را که عنوان جدید وزارت جنگ بود نیز عهده دار گردید. همانروز دادگاه بین المللی لاهه رأی بخدمت صلاحیت خود برای رسیدگی به دعوی انگلیس داد و ایران در محاکم بین المللی پیروز گردید.

در ۳۰ مهر ماه ۱۳۳۱ دولت مصدق با انگلستان قطع رابطه سیاسی کرد و در ۲۷ آذر ۱۳۳۱ با تصویب مجلس تأسیسات تلفنی را در سراسر کشور ملی اعلام کرد و چون قرار داد شیلات با شوروی منقضی شده بود درخواست آن دولت را برای تمدید قرار داد شیلات رد کرد و شیلات را نیز ملی اعلام نمود درین دوران توطئه های عظیمی برای ساقط کردن حکومت ملی مصدق یکی پس از دیگری شروع شد. که با پشتیبانی ملت عقیم ماند و بالاخره حکومت ملی مصدق پس از مدت بیست و هشت ماه طی کودتایی که توسط سازمان جاسوسی مرکزی آمریکا (سیا) و انگلستان ترتیب داده شده بود روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سقوط کرد و مصدق در یک دادگاه نظامی فرمایشی محاکمه شد.

او به سه سال حبس محکوم گردید مصدق سه سال در زندان سلطنت آباد و سپس لشکر دو زرهی زندان در سال ۱۳۳۵ بظاهر از زندان آزاد و به احمد آباد تبعید گردید. و زندانی خانه خویش گردید.

بعثت ناراحتی هائی که رادمرد بزرگ تاریخ ایران در ناحیه دهان و فک فوقانی احساس مینمود اواخر آذر ۱۳۳۵ در بیمارستان نجمیه که تولیت آن با خود او بود بستری گردید و تشخیص سرطان داده شد. پس از آن به منزل فرزندش منتقل و در آنجا زندانی و تحت کنترل شدید سازمان امنیت بود. دیری نپائید که بعلت خونی ریزی شدید داخلی روز یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۳۵ ساعت یک ربع به هفت صبح مصدق هموطنان خود را برای همیشه ترک گفت و ملت ایران را سوگوار نمود. و جنازه اش در خانه وی در احمد آباد بخاک سپرده شد.

طغیان مسلمانان

بقیه از صفحه اول

بودند. هنگامیکه من از جلال اباد دیدن کردم دوتانک بزرگ (تی - ۵۴) ساخت شوروی خیابان هارا باحضور خود تحت الشعاع قرار داده بود. در فرودگاه کوچک کنار شهر چهار هواپیمای جنگی (میگ - ۱۷) شوروی بچشم میخورد که ماموریت دارند مواضع شورشیان مسلمان را دردهات کوهستانی اطراف رگباران کنند. در مدت زمانی که من در این شهر بودم یک کامیون باری مخصوص حمل تانک را دیدم که یک تانک داخل شهر منتقل میکرد و تیپ زره پوش جنگی هم برای مراقبت بدنبال آن در حرکت بود. این صحنه شاذگرابامنی روزافزون منطقه مرری شرق افغانستان بود.

بهار خونین
یک سفر کوتاه به نقاط روستائی افغانستان تظاهر بخود مطمئن بودن رژیم کابل را مورد تردید قرار میدهد. درحقیقت رهبران افغانستان - رئیس جمهور نورمحمد ترکی و نخست وزیر نیرومند او حافظ الله امین - که از طرف شوروی حمایت میشوند ظاهراً با بهاری خونین از نارضایتی روبرو هستند. این شورش که در کوهستانهای شرقی بدست مسلمانان عشایر آغاز شد به کمک پاندهندگان افغانی که در اردوگاههای آنطرف مرز پاکستان مستقر شده بودند به بخش هائی از چهار استان آن منطقه گسترده شد برخوردار و منازعات همچنن به شهر هرات در غرب و به مزار شریف در شمال و به نواحی مرکزی مزارجات نیز سرایت کرده است.

شورش مسلمانان افغانستان پراکنده و بی نظم و فاقد هدف گیری و رهبری مرکزی است و دولت مارکسیستی یک ساله ترکی ظاهراً درخطر سقوط نیست. ولی دولت درتسویس و نگرانی بسرمیبرد. در جلال اباد شایعه بروز خشونت در آغاز سال نومسلمانان آنچنان قوت گرفته بود که دولت مصلحت دید ۴۵۰ نفر از ریش سفیدان و روحانیون و معتمدین محلی را که شبه جمع آوری و بیدت سه روز تحت بازداشت قرار دهد. چهارده نفر از این افراد پس از آزادی دیگران کماکان در بازداشت نگهداشته شدند. چندروز بعد از این ماجرا ۵۰ یا ۶۰ خانواده روسی که در جلال اباد زندگی میکردند بطور ناگهانی به کابل انتقال داده شدند و به مشاورین روسی توصیه شد کمتر از یادگانهای خود خارج شوند. مسکو باین حقیقت پی برده است که یکی از طرق موثر کاهش دادن تشنج در افغانستان اینستکه حتی الامکان حضور افراد شوروی را از نظر مردم پنهان کنند.

آهنگ های ضد شوروی
جدی ترین هشدار برای رژیم ترکی تاکنون واقعه ای بود که درهرات اتفاق افتاد مشکل از آنجا شروع شد که ساکنین هرات با روستائیان که بمنظور اعتراض به اقدامات اصلاحی ضداسلامی و سوء رفتار با رهبران مذهبی داده و طرف شهر راه پیمائی کرده بودند هم دردی نشان داد. و بانها ملحق شدند. انبوه جمعیت معترض به مدت دوازده روز تمام شهر را تحت کنترل گرفت و نیمی از سربازان یادگانها نیز شورش کردند و به مردم پیوستند. ولی موضوعی که کابل را به شورش انداخت آهنگ وندای ضد شوروی این قیام عمومی بود. پاره ای از دیپلماتهای مقیم کابل تخمین زده اند که ده دوازده نفری از مشاوران شوروی کشته شدند و حتی سفیر شوروی به مرگ یکتفرانها اعتراف کرده است.

یک دیپلمات غربی بمن گفت: «این واقعه یک طغیان قبیله ای دریک

دره دورافتاده کوهستانی نبود. این یک قیامی بود که خود بخود و بطور طبیعی بوجود آمد و آنها هم در منطقه ای که قبلاً در آرامش بسر میبرد.» اصلاحات سیاسی عجولانه ترکی را باید تا حدودی موجد این ناآرامی ها شناخت. اوامین میخواستند تا یک سرزمین فتودالی را با فشار و تحمیل دگرگون کنند. سه مصوبه عمده مینای برنامه های اصلاحی دولت را تشکیل میدهند که مخالفت و مقاومت عامه را برانگیخته است. یک مصوبه با فسخ و محسود کردن وام های کشاورزی طبقه ثروتمند و مالک را رنجانده؟ است مصوبه دیگر مهربه زنان را لغو کرده و سومی نوعی اصلاحات ارضی را بنیان گذاری کرده و در نتیجه موجبات خشم و غضب زمینداران را که غالباً از روحانیون مسلمان هستند فراهم نموده است. بگفته یک ناظر آگاه این مصوبات با امور مالی و جنسی و ارضی سروکار دارد و از این هم بنیادی تر نمیتوان عمل نمود. هدف یک مبارزه اصلاحی دیگر که طبعاً قابل تحسین است تقلیل دادن ۸۰ درصد آهنگ بیسوادی در مردم است که این یک موجب ازدگی مسلمانان شده است که مایل نیستند زن و یادختر آنها به اجبار از خانه بسوی مراکز جدید سوادآموزی کشانده شوند.

پرچم سرخ
یک اقدام مخصوصاً خالی از منطق و درایت تصمیم دولت بوده است در جایگزین کردن پرچم به رنگ سبز و سرخ و سیاه افغانستان با یک پرچم سرخ. در کشوری که ۹۰ درصد مردم آن مسلمان هستند این عمل توهینی بیچابه احساسات مذهبی مردم بود که به سنت حفظ رنگ سبز اسلامی در پرچم کشور خود پای بند بودند دولت حالا نسبت به وضع خود در مقابل مومنین افغانی نگران است. این روزها مجالس عمومی با دعا شروع میشود و اخیراً عکس هائی از ترکی پخش شده است که وی را در حال گذاردن نماز نشان میدهد. نخست وزیر که مدعی است یک مارکسیست علمی است هفته پیش با روزنامه نگاران گفتگونی داشت و متکرر این شد که دولت رویه های ضداسلامی دارد او به از باب جرئت اظهار نمود «کاملاً بی اساس و دروغ است که بگویند مباری اسلام احترامی قائل نیستیم. الی کسانیکه اسلام را برای مقاصد شخصی و برضد مردم بکار میبرند مورد قبول ما نیستند. مذهب نباید نقابی باشد برای مقاصد سیاسی.»

علی رغم سعی شتاب زده برای اصلاحات، دولت ترکی ظاهراً از پشتیبانی قاطع مسکو برخوردار است و باین منظور برای تقویت و سرپانگه داشتن ترکی ۳۰۰۰ مشاور و کارشناس شوروی به افغانستان گسیل شده است. مخالفین ترکی ظاهراً از چنین حمایت خارجی برخوردار نیستند. شورشیانی که فقیرانه مسلح شده اند دانما با یکدیگر درحال اختلاف و نزاع هستند و تاکنون موفق نشده اند شخصیت متحد کننده ای مانند آیت اله خینی ایران عرضه کنند. به عقیده یک دیپلمات با سابقه آسیائی، «آنچه که مادرانجا شاهدان هستیم یک سلسله طغیان های محلی است. با آهنگ فعلی احتمالاً سه و یا چهار سال لازم است که این طغیانها به صورت یک قیام بزرگ تهدیدکننده درآید. این البته در صورتی است که رژیم کابل از درون فروریخته شود بهمان صورتی که رژیم شاه از درون فروریخته شد در اثر فشار مردمی که بیشتر پای بند به ستهای دیرین خود بوده اند تا به رویاهای حکام خود.

کشته شدگان اصفهان بعد از تاسوعا و عاشورا و حمله چماقداران

بطور کلی در توابع اصفهان از کودک هفت ساله تا پیرزن و پیر مرد هفتادساله کشته شده و مغازه های بسیاری مورد هجوم و غارت قرار گرفته و اتومبیلهای زیادی را شکسته اند تعداد مجروحان از احصاء خارج و کشته شدگان بشرح زیر است:

Table with 3 columns: Name, Age, and Education/Status. Lists names of victims such as عباس نیوی منش, احمد مطیعی, احمد طباطبائی خوانساری, etc.

سیر و مقامات

همانگی وزیران بشناسیم اگر درصلاحت آقای بازرگان تردید کنیم با کمال تأسف چون هیچیک از رجال میدان سیاست را مردان وظیفه سنگین نمی شناسیم باید از اصلاح کار مملکت مایوس شویم و کشور را دودستی در سرائیشی سقوط راهگردانیم زیرا درحال حاضر کسی جز بازرگان مردان میدان نیست و صالحه تر از ایشان وجود ندارد پس اگر تاگزیر و باز هم تاگزیر اینبار ایشان مدارا کرد و دولشان را حمایت تا بار ما را بر منزل مقصود برسانند توقع اینست که ایشان هم در ایجاد هم آهنگی بین وزیران و برررسی صلاحیت مجددشان در کاریکه بهعهده دارند با اشکار عمومی چون گذشته سازگاری نشان بدهند و خدای ناکرده در کار مصلحت مملکت تعصب و یکدندگی روا ندارند همه میدانیم که کابینه موجود از گروههای گوناگون با طرز اندیشه های متفاوت تشکیل گردیده تنسی مسوب بنظام پوروکراتیک گذشته هستند و حتی نمیتوانند مصداقی از یک رفتارور در ذهن آدمی بوجود بیاورند.

تی چند انقلابی و بیشتر انقلابی ماهستند که بصرف حدت و شدتشان در مبارزه بخدمت دعوت شده اند و کمتر تخصیص دارند و بیشتر انقلابی می اندیشند و تنی چند هم حقا خودشان نمی دانند چکاره اند و چرا بدولت آماده اند نه قوت مبارزاتی دارند و نه تخصص و کارائی اجتماعی طبیعی است در کار این بزرگواران تضادهائی بوجود میاید که باید با یکارگرفتن شیوه های تجربه شده بر آنها مسلط شویم و مشکلات را با قاطعیت و تدبیر بصصحت مملکت پایان دهیم در امر ربودن فرزندان مجاهد بزرگ طالقانی و با برخوردیکه در درون دولت میان وزیر امور خارجه و همکاران دیگر آقای بازرگان بوجود آمد قاطعیتی مصلحت امیز ارائه نشد زیرا وزارتخانه ای را که با سیاست بسیار حساس خارجی سروکار دارد و بیشتر بدانستن نیاز دارد بگروهی سپرده میشود که کمتر میدانند و شاید تندتر میرانند ولی در کار داخل کشور که ضرورت انقلابی اتخاذ تصمیمات سریع و قاطع را ایجاب میکند کسانی برمسند مسئولیت نشسته اند که

حوش بعمل بیاورند و ببینند آیا همکاران موجود مردان میدانند و در کشوری که نازه جنگ خانگی تروریسم و هزاران مشکل دیگر بران سایه افکنده و با این همکاران و این شیوه ها میتوان بر مشکلات فائق آمد مادر عین ارادات و فقط موقع حمایت از دولت صادقانه تکرار میکنیم شیوه دولت را در برخورد با مساله طالقانیها. با موضوع استعفای وزیر امور خارجه با مسائل آموزشی و دانشگاهی با تضادهائی که در درون دولت وجود دارد نمی پسندیم چه این رویه ها نمیتواند مورد تأیید وطن خواهان باشد و ضرورت برنامه های اتی حکم میکند که کابینه مقتدرتری متشکل از عناصری کارآمد و سرشناس تر با دانش بیشتر و قاطعی افزونتر برای مقابله این مشکلات تشکیل و هرچه زودتر کابینه ترمیم گردد. این تنها راه نجات کشور است که آقای بازرگان بمانند و بسیاری از همکاران نامتجانس را مرخص فرمایند

خاکستر خاموشی را از وقایع اصفهان می زدائیم

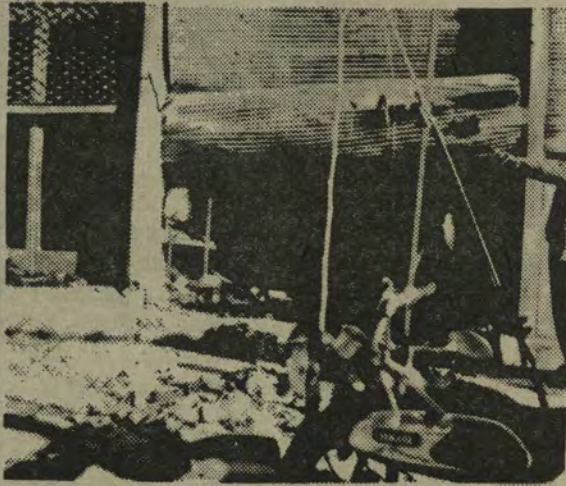
وقایع یازدهم و دوازدهم عاشورا و چماقداران شاهنشاهی تاریخچه مبارزات مردم قهرمان اصفهان شایسته بررسی دقیق و جاودانه ساختن نام شهداء مبارزان و رهبران آنهاست که امیدواریم نه تنها در سطح شهر اصفهان بلکه در همه جای ایران این تحقیق انجام پذیرد روزنامه پرخاش در حد مقدور محدود خود با دریافت لیست شهدا و زخمی شدگان وقایع در اصفهان و نجف آباد و تطبیق آن با فهرستهای جمعیت ایرانی حقوق بشر به انتشار آن مبادرت میورزد و امیدوار است اگر نواقصی در لیست و مطلب وجود دارد با کمک مردم اصفهان و نجف آباد تکمیل شود

واقع چگونه تکوین یافت

بنا به تحقیقات انجام شده پس از آنکه مردم اصفهان کار مقاومت را در حد شکستن پیکره (پقول ناجی معدوم) و حمله بساواک بالا بردند کمیسیونی در تهران با حضور آقایان سپهبد ناصر قلی برومند رئیس اداره دوم نماینده ساواک - اکبر زاد بنام کارشناس!! امور اصفهان و محمد علی مسعودی تشکیل و اعتباری در حد ۵ میلیون تومان برای اعاده حیثیت!! شاهنشاهی تخصیص داده میشود و از طرف این کمیسیون تیمسار ناصر قلی برومند - بیوک صابر - حیدر قلی برومند نماینده بر خوار و محمد علی مسعودی عازم اصفهان میگرددند در انجا از خانواده کاشفی صدر کاشفی و هلاکو کاشفی از آقایان کازرونیها فرزند برومند آقای محمد جعفر کازرونی بانان ملحق میشود و با آوردن چماقدار از حوالی سمیرم وسیله کاشفیها و تعدادی چاقوکش از یزدانشهر و بر خوار وسیله کازرونی و برومند ها و اجیر کردن تنی چند از مزدوران حومه شهر بقرار روزانه یک هزار ریال حمله برمذ آغاز میگردد و منتهی بکشت و کشتار و آتش بسوزی میشود که گوشه ای از آنرا در این شماره ملاحظه میفرمایند ما برای طبع هر گونه توضیحی که حقیقت امر را روشن تر سازد آماده ایم.

در روزهای یازدهم و دوازدهم محرم

در شهر نجف آباد اضافه بر سوزاندن بازار خانه های زیر را نیز باتش کشیدند



صحنه ای از ایلغار به نجف آباد

- اسامی قسمتی از کشته شدگان نجف آباد در روزهای ۱۱-۱۲ محرم ۱- سیداصغر میرلوحی ۲- صادق صوفی زاده ۳- جمشید محمدیان ۴- عبدالله شجاع ۵- احمد براتی ۶- علی دهقانی ۷- احمد رضا سرخی ۸- صادق شفیعی ۹- محمدعلی فاضل ۱۰- عباس قیصری ۱۱- حسین جان شاری ۱۲- اردشیر خوشاوی ۱۳- علیرضا صدیقی ۱۴- صدیقه رضائی ۱۵- معصومه ربیعی ۱۶- حیدر جعفری ۱۷- اصغر سلاخی ۱۸- ابوالقاسم عمونی ۱۹- محمود کرباسی ۲۰- اکبر کیان ارسی ۲۱- سیدمصطفی مصطفوی ۲۲- احمد کاظمی ۲۳- کورش نادرپور ۲۴- سعید رفیعی ۲۵- عبدالله حقیقی ۲۶- مصطفی دوستعلی ۲۷- محمد صبرعاملی ۲۸- علی مرتضوی فر ۲۹- محمود کیان ارسی ۳۰- رضا شرافت ۳۱- محسن جان نثاری ۳۲- محمد عضداللهی ۳۳- علی خادم الذکری ۳۴- هادی چایچیان ۳۵- حسن رضائی ۳۶- احمد تاج زادگان ۳۷- احمد مومنی ۳۸- سیدحسین مولائی ۳۹- حسین نظری ۴۰- محمدعلی قلعه شاهی ۴۱- زهره بختیاری ۴۲- محسن قیصری ۴۳- محمدعلی ستاری ۴۴- عباس بابائی ۴۵- حسین صفری زاده ۴۶- اسماعیل ریخته گر ۴۷- فتحعلی طاهری ۴۸- حسین زینی ۴۹- علیرضا نوربها ۵۰- رضا شکوهی ۵۱- علی یزانی ۵۲- جمشید خیاطی ۵۳- هدم کرباسی ۵۴- علی شاکری ۵۵- محمود زارع ۵۶- حجت اله محمودی ۵۷- مصطفی عابدی ۵۸- کریم لعانی ۵۹- نثاری ۶۰- علیخان علمیر ۶۱- علی جهانی ۶۲- غلامرضا بوسقی ۶۳- حمیده سلیمانی ۶۴- محمد بیدشاهی ۶۵- نادعلی عابدی ۶۶- خدیجه اتصال ۶۷- علی عابدی ۶۸- کاظم قاسمی ۶۹- سمین کرباسی ۷۰- حسین اتفاق ۷۱- علیرضا سیرجان ۷۲- مریم شهر باف زاده ۷۳- عباس پریشانی ۷۴- حسن افشاری ودر تاریخ ۹/۲۱ ۷۵- حسین کرباسی - حسین دهقان - منوچهر زارع - حسین میرزایاقریان - معصومه عزیزاده - حسین زارع - بخشی کفشاران - مسعود قلعه شاهی - مصطفی شیبانی - کریم لقانی پرویز جنت مکان ودر تاریخ ۹/۲۲ ۷۶- محمدعلی بهرامی - حسین میزانی بدرجه شهادت نائل آمده اند ۷۷- ضما فرزند آقای طباطبائی انارکی که مفقودالثر شده بود جسدش در هفته اخیر درزاینده رود مقابل ساختمان ساواک پیدا شده است ۷۸- در تهیه این گزارشها حسب الامرحضرت آیت الله العظمی خادمی مسئولان بیمارستانها عسگریه - حجتیه ثریا وبخصوص آقای دکتر سیاوش صحت و دکتر مویندی و آقای ملاذهمسکاری کرده اند%

- ۱- آقای سیدحسین رضویان ۲- دکتر محمدعلی ابوتابی ۳- آقای دکتر نعمت اله ایزدی ۴- حجت الاسلام شیخ غلامحسین ایزدی ۵- آقای محمود آقا انتظاری ۶- علی اکبر ایزدی ۷- حاج مهدی ایزدی ۸- مصطفی نمازی ۹- سیدمرتضی آیت ۱۰- حاج یداله اسماعیلی ۱۱- مهندس عالی نادمی ۱۲- مهندس هابی ۱۳- حاج اکبر ابوترابی ۱۴- حاج حسین آقا ایزدی ۱۵- حاج حسن آقا ایزدی

مغازه های زیر نیز سوخته - شکسته و غارت شده است

- ۱- مغازه حاج یداله اسماعیلی تاجر برج و قند و شکم سوخته ۲- مغازه حاج سیدابراهیم قریشی عمده فروش رنگ بکلی سوخته ۳- مغازه حاج رضاسیروس عمده فروش لوازم خانگی سوخته ۴- مغازه حاج محمودمعین نمایندگی ایران گاز غارت شده ۵- مغازه غلامحسین ایزدی قنادی سوخته و غارت شده ۶- مغازه محمدجعفری معین (طلوع) ۸- تعداد هشت باب مغازه از تیمچه حاج اکبر ایزدی عمده فروش سوخته ۹- حاج محمدعلی یمانی قنادی بکلی سوخته ۱۰- حاج حیدرعلی ستاری قنادی غارت و سوخته ۱۱- لباس فروشی همایونشهریها لوازم خانگی غارت شده ۱۲- حاج غلامرضا یزدانی لوازم خانگی سوخته و ویران شده ۱۳- حاج حسین نادری لباسفروشی سوخته ۱۴- حاج جوادمعینی فرش فروش غارت و سوخته ۱۵- حاج احمد معینی کفافی غارت و سوخته ۱۶- حاج حسین معینی پارچه فروش سوخته و غارت شده ۱۷- نمایندگی کفش ملی پارچه و موکت فروش غارت و بکلی سوخته ۱۸- حاج اسداله صالحی پارچه فروش بکلی سوخته ۱۹- حاج محمدباقر پورعزیزی غارت شده است ۲۰- داروخانه دکتر نعمت اله ایزدی ۲۱- داروخانه شفابخش باد و مغازه مجاور ۲۲- داروخانه انصاری بکلی سوخته ۲۳- مغازه سیدحسین آتین تاجر غلات و حبوبات غارت شده و سوخته ۲۴- مغازه عبدالحسین حجتی تاجر غلات و حبوبات غارت شده و سوخته ۲۵- مغازه عبدالحسین کویانی لوازم التحریر فروش غارت شده ۲۶- مغازه اصغرمعینی قنادی غارت شده آجیل فروش غارت شده ۲۷- مغازه موسویان فروش موتورسیکلت غارت شده ۲۸- حاج علی معینی پشم فروش غارت و سوخته ۲۹- مغازه حاج حسن منتظری پارچه فروش غارت و سوخته ۳۰- مغازه رستمی لوازم خانگی غارت شده ۳۱- مغازه سیدحسین رضوی فرش فروش غارت شده ۳۲- حاج محمدرضاعری فرش فروش غارت شده ۳۳- حاج محمدرضا خوشابوی فرش فروش غارت شده ۳۴- چند مغازه از پاساژکیان شکسته و غارت شده درحدود ۳۵۰ مغازه دیگر بطور کلی و هم چنین انبارهای گاز ایران گاز - پرسی گاز در نزدیکی یزدانشهر و امین آباد بدستور رئیس شهربانی بوسیله موافقین شاه غارت گردیده است

ماشین نویسی - راننده

روزنامه پرخاش براننده ای که سواد کافی داشته باشد و همچنین ماشین نویسی که از عهده کار بخوبی برآید نیازمند است داوطلبان با دفتر روزنامه تماس حاصل کنند

پرخاش

دارنده و مدیر **امداد**

نشانی: پیچ شمیران خیابان دکتر شریعتی
کوچه شقایق پلاک ۲ تلفن ۷۶۳۱۶۴

تحت نظر شورای نویسندگان
شماره پنجم دوره پیروزی
سی و سومین سال تأسیس
شماره مسلسل ۲۳۶
روزهای انتشار چهارشنبه
بهای آگهی هر سطر ۳۰۰ ریال

سخن گونه صفت

آنگاه میگوید

ای مالک در انتخاب مدیر و مشاور هوشیار باش و بدان که، آن شروزرانک من کان للشرار من قبلک وزیرا» بدترین مدیران و مشاوران، عناصری خواهند بود که قبل از تو با چپاولگران، بیگانه پرستان و ستم پیشگان، هم پیمان بوده و همکاری داشته‌اند.

از فرمان حضرت علی به مالک اشتر

در حاشیه ترک سنگر دکتر سنجابی
آیا جمهوری اسلامی در امریکا سفیر کبیر دارد؟

آقای دکتر سنجابی یکی از علل استعفای خود را مداخله عناصر غیر مسئول در کارهای سفارت ایران در واشنگتن اعلام داشتند در مصاحبه آقای دکتر سنجابی اعلام شد که این مداخلات وسیله شهریار روحانی انجام شده است تا آنجا که مشاور وزیر امور خارجه را که برای سرپرستی موقت سفارت اعزام شده بود بسفارت راه نداده‌اند و اضافه کردند که این اقدامات از طرف آقای شهریار روحانی قوم آقای دکتر یزدی انجام شده است هم چنین اطلاع یافته‌ایم که آقای روحانی خود را بنام سفیر عملی یکی دوبار با وزیر امور خارجه امریکا ملاقات و در نوبت سوم بعثت نداشتن معرفی نامه از پذیرش او در وزارت خارجه خودداری شده است از نیویورک اطلاع داده‌اند که آقای طلیعه که ایشان هم گویا نسبتی با همین خانواده دارد نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد را اشغال و خود را رئیس عملی هیات نمایندگی ایران خوانده است.

وقتی از آقای امیر انتظام سخنگوی دولت در باره استعفای آقای دکتر سنجابی سؤال شد گفتند دولت از وجود اختلاف میان وزارت امور خارجه و سفیر ایران در امریکا اطلاعی ندارد.

باین ترتیب برای هر شنونده و یا هر ایرانی این سؤال پیش می‌آید که آقای روحانی و طلیعه سفیران دولت جمهوری اسلامی هستند؟ آیا ما در امریکا سفیر داریم؟ و اگر بقول سخنگوی دولت سفیر داریم این سفیر کیست او را چه کسی معرفی کرده و چگونه این امریکائیان در این وضع حساس سفیر ما را بوزارت امور خارجه امریکا راه نداده‌اند و اگر سفیری داریم که وزیر امور خارجه از انتخابش بی اطلاع بوده باز هم باید دکتر سنجابی سنگر خالی نمیکرد؟ راستی باین طرز کار هم میشود سنگرداری نامید.

امیدواریم با انتخاب آقای دکتر یزدی برای قائم مقامی وزارت امور خارجه هم آقای روحانی حکم سفارت و هم آقای طلیعه حکم ریاست نمایندگی ایران در سازمان ملل را دریافت کنند و باین آبروریزیها خاتمه داده شود.

همه همکاران سالیوان باید از ایران اخراج شوند

احضار آقای سالیوان سفیر کبیر مداخله کار دولت امریکا در افکار عمومی مردم با حسن اثر مواجه شده است چه سفارت امریکا با تصدی افراد مداخله کار و منفعت جوئی چون هلمز که بجای سفارت در فکر تجارت و شراکت با شاه و رژیم بمنظور کسب منفعت شخصی از یکسو و اعمال سیاست استثمار از سوی دیگر بودند از دیدگاه ایرانیان بیک مرکز توطئه و تحریک تبدیل شده بود و حالا که وزارت خارجه امریکا انشاءالله بر سر عقل آمده و آقای سالیوان را احضار کرده است میخواهیم همه همکاران ایشان که مجری سیاست اختناق و مداخله بوده‌اند احضار شوند و اضافه بر رسیدگی دقیق سوابق کارکنان سفارت بوضعیت کسانی هم که با عنوان کارمند انجمن فرهنگی ایران و امریکا در تهران مشغولند رسیدگی نیز شود و تعداد آنها بداد اقل برسد و فقط کسانی در تهران بمانند که مفهوم احترام به استقلال و آزادی ملی ما را درک کنند.

توجه دقیق و کامل باین موضوع را از وزارت امور خارجه ایران توقع داریم %

آیا میشود قیمت چاپ روزنامه را هم

مورد رسیدگی قرار داد

در ابتدای هر سال کمیسیونی برای تعیین تعرفه کارهای چاپی دولت تشکیل میشود که شنیده‌ایم هم اکنون این کمیسیون با حضور نمایندگان دولت دست بکار وظایف خود شده است.

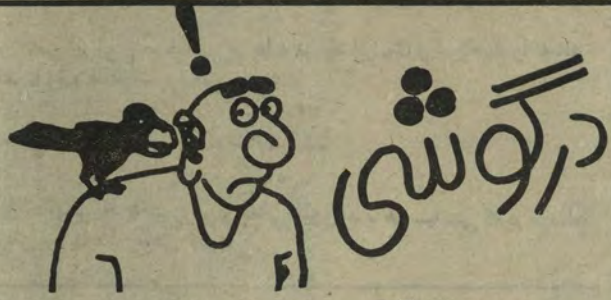
پدیهی است که بلحاظ وظیفه‌ای که درجولگیری از بالا رفتن قیمت‌ها بر عهده دولت مقرر است - اطمینان داریم نه تنها بر تعرفه بهای چاپ افزوده نخواهد شد بلکه باید کوشش شود که حتی المقدور در قیمت چاپ مطبوعات تحقیقی هم منظور گردد. در کنار این تکلیف بفکر افتادیم سؤال کنیم آیا میشود از مسئولان امر بخواهیم برای نرخ چاپ روزنامه هم که موضع سرسام آوری بالا رفته است چاره‌ای بیاندیشند؟

ترازوی عدل اسلامی و کارگزاران حکومت

بدرآمد همه و کلای پانزده ساله رسیدگی کنید

در خیر بود که حکومت انقلاب میخواهد حقوق دریافتی وکیلان و سناتورها را مسترد دارد اقدامی است نیکوچه اکثریتان رابطه‌ای با موکلین نداشته‌اند نوکران حزب حاکم و هویدا و ایران نوین بوده‌اند و حقوق هر نوکری با ارباب اوست نه با مردم.

کسی میتواند حقوق وکالت از جیب مردم بگیرد که وکیل مردم باشد ولی در حاشیه یک حقیقت دیگر هم وجود دارد که اولاً این اقدام نباید و نمیتواند محدود بیکدوره اخیر باشد چه نطفه این فجایع درامان حزب ایران نوین پرورش یافته و هستند وکیلانی که ۱۶ سال تمام باپبازی گرفتن شرف و حیثیت مردم برهمه جنایات صحنه و سرمایه فراوان آندوختند و هم چنین هستند معدود کسانی که فقط در یکدوره آنهم برای وزن شعر یاجور بودن جنس راهی پارلمانشان کردند و طرفی نیستند و خودشان بودند و حقوقشان و حالا هم مصداق المفلس فی امان اله هستند حقوق را خورده‌اند و دست بدهان مانده خاصه آنکه چند تن از این ناماجوران در صف اقلیت شدند و در هر حال در کار مبارزه مردم هم نفسی کردند که آنها را از دیگر وکیلان بطور کلی جدا میکنند این توقع بسیار بجاست که ترازوی عدل اسلامی حساب هر کس را جدارسیدگی کند و همه دست اندرکاران شانزده ساله از وزیر و امیر و معاون و وکیل و سناتور و روزنامه نگار و بازاری و تاجر همه بمرم حساب پس بدهند که در این دوره چپاول در چه کار بوده‌اند ضمناً فرمایش مولانا از یاد نبریم که معاف شدن صد گناهکار بهتر از مجازات یک بیگناه است.



من جرب المجرب حلت به نداهم کار مطبوعات را سرسری نگیرید

باز هم انتشار مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات در زمینه عقاید و آراء حضرات آیات عظام باعث شد که شهر حساس تبریز در موجی از اعتراض فرو رود دفتر تبلیغات آیت اله خمینی هم اعلام داشت که این مطلب هیچگونه ارتباطی بانظرات و دیدگاههای حضرت آیت اله نداشته است در کنار این مطلب باید توضیح بدهیم که در این مطلب جز یک برداشت فاشیستی از کار مبارزه ملت ایران حاوی موضوعی که شایسته توجه باشد نبود ولی چون محیط حساس فعلی و مخصوصاً حساسیت در مورد آیات عظام را هم اضافه کنیم حق با مردم تبریز است و باید به نویسنده تذکر داد اگر همه مردم نخواهند فقط در یک حزب جمع شوند که این هم دیکتاتوری است و هم شبیه حزب رستاخیز با حدوث این واقعه فرصتی داریم که بدوسال گذشته برگردیم و بیاد بیابوریم مطلب مستهجن فریاد نیکوخواه را که از طریق هویدا و داریوش همایون بر علیه مرجع شیعیان در اطلاعات چاپ شد و خشم ناشی از آن پایه‌های لرزین رژیم را در هم ریخت و ما که خود شاهد تاثیر مطبوعات هستیم باز هم از دوباره می‌آزماییم و با این تجربه مجرب نمی‌شویم - مگر در پاسخ مردم در باره یابوه‌هاییکه زدند چه جوابی بمرم دادند.

خبر نادرست رادیویی در گوشی

در باره پروفیسور معصومی

در باره تاثیر فراوان رادیویی در گوشی هفته‌های گذشته تذکری دادیم یکی از اخبار این خبرگزاری معتبر شلاق خوردن پروفیسور رشید معصومی پزشک عالیقدر و متخصص قلب بود که حتی گفته شد آقای نخست وزیر برای دلجویش به بیمارستان رفته و دکتر معصومی هم بعثت حدیقه خورده است در حال اغماست یکی از نزدیکان پرخاش از قول آقای دکتر برومند پزشکی با شرف و سرشناس که مبارزتی از زاده نیز هست اطلاع داده است که آقای دکتر برومند شخصاً از دکتر معصومی موضوع را استفسار و ایشان مطلقاً از وقوع چنین اتفاقی اظهار بی اطلاعی کرده‌اند.

مهندس موحد یار و همکار مهندس روحانی

در کشتیرانی آریا

اگر باید امثال موحد یار مدیر عامل باشند

پس چرا روحانی را اعدام کردید؟

هفته گذشته تذکری داشتیم بکسانیکه خون جوانان را وسیله کاریابی قرار داده‌اند و باز هم از این گوشه و آن گوشه همکاران طاغوتی را از سوراخ بیرون میکنند و بر مستند می‌نشانند در حال حاضر جوانان انقلابی دولت را بسازشکاری و عدم توجه بشیوه‌های انقلابی متهم میکنند و متأسفانه بعضی از همکاران دولت هم با انتخاب عوامل ناباب بر این ادعا مهر صحت میزنند بطور مثال آقای مهندس نظام الدین موحد از ۲۸ مرداد ۳۲ تا بیست و سوم بهمن ۵۷ نه تنها یک روز هم بیکار نبوده است بلکه مشیر و مشاور مهندس روحانی غدار و رفیق گرماه و گلستان او بوده است حالا چرا باید باز هم کشتیرانی آریا را تیول ایشان قرار داد و همان کسانی که ضربات شلاق روحانی را بر پشت دارند بیکار باشند مگر آنکه قبول کنیم بقول نیچه بعضی‌ها را ما در بازمین و برگ زائیده تا همیشه بروحانی‌ها و موحد‌ها سواری بدهند در صورتیکه این قبیل افراد بخانه نروند ناگزیر این بحث ما ادامه خواهد یافت.

داستان کمیابی قیر و دسته بندیهای پخش نفت ملی

هنوز از خاطره‌ها رفته باشد که در زمستان گذشته مردم بد بخت یک بشکه قیر را تا ماخذ سه هزارریال هم خریداری کردند و بهمت بخت سیاه رژیم این ماده سیاه رنگ هم بازار سیاه پیدا کرده بود بقرار اطلاع بوجود آمدن این بازار سیاه بدست آقای حیات غیب یکی از مسئولان پخش نفت ملی بوجود آمده و با کارگزاری ایشان همه قیرها بنام شرکتهای بزرگ از انبار خارج و قیمت چند برابر در بازار سیاه بمرم محروم فروخته شده است که از آن قبیل است سیصد هزار بشکه که بنام شرکت مهک بیزار رفته و با مشارکت یاران دست غیب بیول نزدیک کرده‌اند

ترور قرنی یا زنگ خطری که بصدا درآمد!

سرلشکر قرنی را ترور کردند و دولت هم او را شهید شناخت ولی آیا با یک تشییع جنازه رسمی میشود از این حادثه باسانی گذشت و شیخ وحشتناک تروریسم را که بر کشور سایه افکنده است ندیده گرفت در بره قرنی ما بخصوص حرف زیادی نداریم جز آنکه ترور آدم کسی - اسقاء گیری شخصی را شدیداً محکوم میکنیم و برای جلوگیری از تکرار آن خلع سلاح فوری - اعاده حاکمیت دولت انقلاب را خواستاریم فراموش نکنید به دارندگان این سلاحها تعهد احترام بنده و شما و حتی رهبران مذهبی - سیاسی را بجائی سپرده‌اند و نه گلوله‌شان شعور تشخیص تفاوت بین سده و شما و دیگران بزرگان قوم را دارد این شتری است که فردا در خانه همه میخوابد حتی در خانه آقای مهندس بازرگان و مقامات بالاتر هم پس تا دیر نشیده برای اینکار چاره‌ای فرمایند!

بحساب روزنامه رستاخیز و دیگر انتشارات آن رسیدگی میشود

بقرار اطلاع کارکنان روزنامه رستاخیز برای دریافت حقوق مکسبیه خود باقای مهندس بازرگان مراجعه و شکایاتی هم بوزارت کار تسلیم کرده‌اند شکایات آقایان منتهی بان‌تخاب آقای محمد بازرگان برای رسیدگی بکار روزنامه رستاخیز شده است و شنیده‌ایم طی بخشنامه محرمانه‌ای بهمه ذی‌حسابی‌ها دستور داده شده است که مطالبات روزنامه رستاخیز بابت آگهی و رپرتاژ پرداخت شود تصور میرود این اقدام بمنظور جمع آوری مطالبات و پرداخت دیون انجام شده است.

خبرنگار پرخاش اضافه میکند که وجوه نقد و کاغذ وسائل رستاخیز همه در یکجا و منحصر برستاخیز میومیه نبوده بلکه مقادیر هنگفتی کاغذ و تنخواه برای انواع نشریات در اختیار مسئولان آنها بوده است که آقای بازرگان بنام حفظ بیت‌المال باید بانها نیز رسیدگی کند بطور مثال صحبت از مقادیر قابل توجهی کاغذ و دیگر امکانات در میان است که باختیار یکی از نویسندگان حرفه‌ای رستاخیز گذاشته شده بود تا مجله رستاخیز جوانان را منتشر کند ولی حسب مقتضای نام رستاخیز حذف و کلمه هم مفرد شده است. بهر حال وقتی میشود بیاس خدمت در رستاخیز وجهی باشخص داد بخواهد اقلاً حساب گذشته خود را پس بدهند والا برای خیانت بمرم که نباید حق الزحمه و وجه دستی هم داد

چرا پای انقلاب در کار مطبوعات می‌لنگد

هفته گذشته هیات دولت وزارت کار را مامور تصفیه سازمانهای کارگری کرد ولی در جائیکه همه مصادر انقلابی دولت از دست باقیمانده مطبوعات شاهنشاهی فریاد بر هوا کرده‌اند معلوم نیست چه کسی باید مقدم به اصلاح مطبوعات شود در همه جای دنیا برای هر کاری ضابطه‌ای هست جز در کار مطبوعات و در کشور ایران

در زمانیکه ما هنوز ندانسته‌ایم کدام یک از این اوراق شاهنشاهی مستقیماً زیر نظر ساواک و کدام دست دوم و کدام نویسنده بی گناه بوده است آقایان خود را متولی انقلاب و وارث میدانند و اگر کسی بگوید باقادی چشتمان ابروست بانک عدم آزادی مطبوعات را سر میدهند ما باز هم تکرار میکنیم اول مطبوعات را تصفیه کنند همکاران ساواک را از بطن جامعه مطبوعات بدور بریزند وبعد توقع احترام از دستگاهها و اجتماعات را داشته باشید.

بالاخره گویا غرض در کار نبود

و اتفاقی هم نیفتاده

ماجرای ربه‌ده شدن خانواده طالقانی عالمگیر شد و کشوری بر علیه این خیانت علنی غرین گرفت و بالاخره آیت اله طالقانی و عده دادند که پس از دیدار با آیت اله العظمی خمینی مردم را در جریان امر بگذارند و همه این مراتب اجراشد جز آنکه حضرت اقای طالقانی بمرم - بارادتمندان نگفتند که این اسانه ادب از ناحیه چه کسی یا کسانی انجام شد و آخر الامر باید بپذیریم که اساساً غرض در کار نبوده اتفاقی هم نیفتاده و کمیته‌ای بنام اوین وجود ندارد چه اگر چنین کمیته‌ای وجود داشته باشد یحتمل بنده و شما هم سرو کارمان بانجا بیفتد ما که از خانواده طالقانی عزیزتر نیستیم

منصور روحانی و دبیری حزب باد

از نکات جالب زندگی منصور روحانی معدوم وقاحت بیش از حد این مرد بود بطوریکه تا آخرین روزهای حیات رژیم بفکر شق القمر بود و نجات رژیم - در روزگاری که شاه سابق دستش از همه جا کوتاه شده بود منصور روحانی برای نجات رژیم بفکر احیاء حزب ایران قلابی افتاد و دعوتی از هم مسلکان!! سابق بعمل آورد که همه مبارزان با شرف حزب ایران با و جواب منفی دادند ولی اطلاع یافتیم غیر از ایشان چند نفری از قبیل نظام الدین موحد و اصغر گیتی بین جلسه‌ای تشکیل و آقای منصور روحانی را به مدیر کلی حزب برگزیده‌اند در گذشت این دبیر کل محبوب را بهمه اعضا شریف حزب باد تسلیم میکنیم

باز هم تکرار میکنیم

آقای دکتر میناچی وزیر محترم اطلاعات

تکلیف تباهاکاران مطبوعات شاهنشاهی چه شد؟

چرا لیست ساواکیهای مطبوعات را

منتشر نمیکنید؟

مالک و مسئول اوراق شاهنشاهی کیست؟

سوال خیلی روشن است صاحب و مسئول روزنامه‌های بزرگ کیست؟ وضع سرمایه‌ای که با غارت مردم فراهم شده و وامهای سنگینی که از بانکها گرفته‌اند چگونه روشن میشود - چرا لیست ساواکیهای مطبوعات را منتشر نمیکنید و چرا تباهاکاران ۲۵ ساله روزنامه‌های شاهنشاهی را بدست محازات نمی‌سپارید - ما این شعار را تا اخذ نتیجه تکرار میکنیم و از بویسدگانی که بخود اعتماد دارند و نامشان در لیست نیست میخواهیم آنرا نکرا کند

خواصه غریب - لطفاً توجه داشته باش کدام روزنامه در انتشار لیست سواکیها با ما همصدائی میکند و کدام ورنامه و روزنامه نویس ساکت است ؟ چر ؟